



شرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

## بمناسبت روز ملی ادبیات

کتاب **جستارها درباره زبان، ادب و فرهنگ تاجیکستان**، تألیف محمدجان شکوری بخارایی در پنج فصل و ۱۹۹ صفحه تنظیم و تدوین شده و در سال ۱۳۸۲ و با تیراژ ۲۲۰۰ نسخه چاپ و منتشر شده است. دکتر مسعود میرشاهی با نوشتن مقدمه ده صفحه‌ای به مباحثی چون سرزمین و مردم تاجیک (موقعیت جغرافیایی تاجیکستان، تنوع نژادی و قومی تاجیکستان، خط و دین و مذهب) تاجیکستان کشور مزدایی و تاریخ تاجیکستان و نقش محمدجان شکوری در رسمی کردن زبان تاجیکی پرداخته است. مهم‌ترین مباحث و مضامین فصول پنجگانه کتاب حاضر به قرار ذیل است:

فصل نخست: نگاه عمومی به ادبیات تاجیکی سده بیستم (صص ۱۹-۴۹)

بدون شک هر جستار و پژوهشی که برای بازشناسی هویت گذشته هر ملت انجام شود، بایسته و شایسته تقدیر خواهد بود. کتاب **جستارها درباره زبان، ادب و فرهنگ تاجیکستان** یکی از آثاری است که در زمینه شناخت فرهنگ، زبان و ادب تاجیکستان و به قلم محمدجان شکوری بخارایی نوشته شده و به کوشش دکتر مسعود میرشاهی و از سوی انتشارات اساطیر و با جلد زرکوب و قطع رقعی به چاپ رسیده است. این کتاب علاوه بر اهمیت تاریخی و ادبی برای ملت دوست و برادر، تاجیکستان - به جهت پیشینه و سوابق تاریخی دو ملت ایران و تاجیک - برای فرهنگ و هنر ایران نیز در خور تأمل و تدبر است. لذا مطالعه و مشاهده این اثر به همه فارسی‌زبانان به ویژه علاقه‌مندان به مطالعه تطبیقی فرهنگ و ادبیات ایران و تاجیکستان توصیه می‌شود.



مطالعات فرهنگی



صدرالدین عینی با مضامین خودشناسی اجتماعی و خودآگاهی ملی، نقش سوسیالیسم در پژوهش‌های ادبی، جشن پوشکین در ۱۹۳۷ و تأکید بر افتخارات ملی، دور شدن از ادبیات رئالیستی پس از پیروزی بر آلمان (۱۹۳۴)، تبعید ابوالقاسم لاهوتی به شوروی و سرودن قصیده کرملین با دیدگاه فلسفی، سیاست‌گرایی در شعر ترسون‌زاده، در آمیزی شعر با اخلاق و آداب اخلاقی در شعر تاجیک، کوشش شاعران تاجیک در سال ۹۰-۱۹۸۰ در جهت اصالت بخشیدن به شعر تاجیک و رواج اندیشه و فکر در نثر تاجیک در دهه ۷۰-۱۹۶۰ و... پرداخته است.

**فصل دوم: سرنوشت فارسی تاجیکی ماورالنهر در سده بیستم (صص ۹۰-۵۰)**

نویسنده در این فصل و در طی ۱۰ بخش به مطالب و مباحثی چون

در این فصل مؤلف به مباحثی چون دوره‌بندی ادبیات تاجیک، تقابل کهنه پرستان و نوگرایان در شعر نو تاجیک، دگرگونی در ادبیات تاجیک در آغاز سده بیستم، بررسی انتقادات اجتماعی شعر پیر و سلیمانی صدیقی عجزی، عبدالروف فطرت، رواج ژانرها و قالب‌های ادبی جدید در ادبیات تاجیک، رویکرد ادبیات تاجیکی به ادبیات غربی و روسی، داستان‌های

جریان معارف پروری و روشنگری در تاجیکستان، تحول زبان ادبی تاجیک و تحقیقات پروفیسور ناصر جان معصومی، بررسی نثر فارسی تاجیک در دهه‌های نخستین قرن ۲۰، پاسخ صدرالدین عینی به انتقاد برتلس درباره زبان معیار تاجیکستان، نقش عینی در اثبات و حمایت از حق مردم تاجیک، سیاست ملیت زدایی و معنویت ستیزی شوروی با تضعیف زبان معیار و تقویت زبان عامیانه، دوگانگی زبان تاجیکی و روسی و نفوذ زبان روسی در ساختار تفکر ملی، انقراض زبان تاجیک در دهه سی و تلاش عینی در تقویت آن با نوشتن فرهنگ زبان تاجیک، فراز و فرود زبان تاجیکی و اجرای قانون زبان تاجیکی در سال ۱۹۹۷، کم‌سوادی مردم تاجیک در آینده و در نهایت به زنده بودن زبان رودکی، فردوسی، سعدی و حافظ در بین مردم تاجیک، پرداخته است.

در فصل سوم نیز با عنوان «از معارف پروری تا چنگیز پرستی» (صص ۱۲۶-۹۱) و در طی ۷ بخش به نکاتی چون سه مرکز فرهنگی تاجیکستان (خجند، سمرقند و بخارا)، روحیه وطن پرستی در ادبیات این دوره، بزرگداشت بخارا در هزار سال تاریخ ادبیات فارسی، اشعار عبدالرحیم فطرت با مضامین عشق، آزادی ملت در کتاب شعر صبیحه، رشد نثر نوین در ادبیات تاجیک و ویژگی‌های نثر فطرت، دموکراتی شدن زبان فارسی و رازود، بررسی رسالات منثور فطرت و مضامین شعری او (وطن، جهاد و توجه به پان ترکیسم)، گرایش فطرت به پان ازبکیسم، نویسندگان دو زبانه (فطرت، عینی، حکیم‌زاده)، خیانت فطرت علیه ملت تاجیک و آزادی خواهی آنها و گرایش او به چنگیز و جغتای، بررسی شاعرانی که تحت تأثیر فطرت به مکتب پان ترکیسم گرایش پیدا کردند (محمی الدین اف، عبدالواحد منظم)، خدمات فطرت در آخر دهه ۲۰ و ۳۰ و ترتیب دادن خط لاتینی برای تاجیکان، اختلاف عینی و فطرت و... پرداخته شده است.

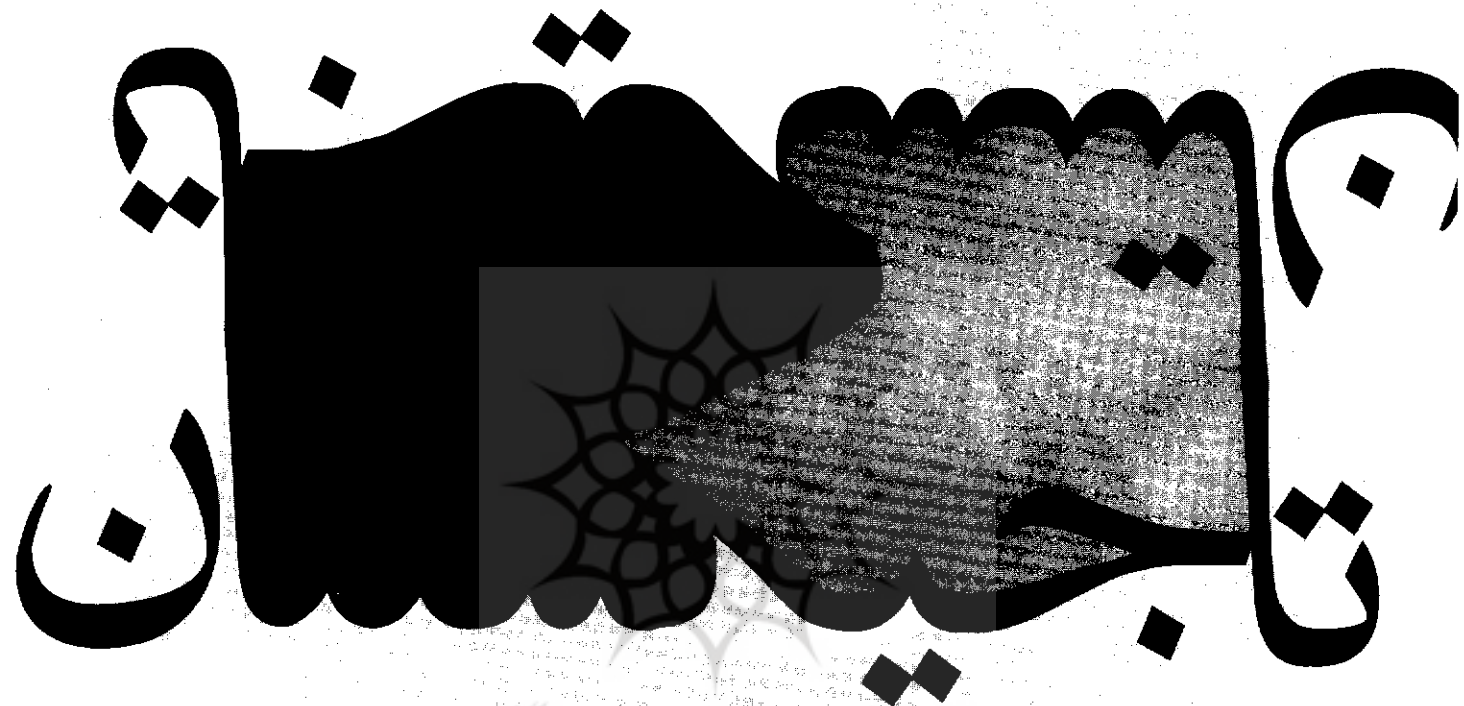
مؤلف در فصل چهارم با عنوان «نوشته‌های صدر ضیا و اهمیت تاریخی آنها» (صص ۱۴۴-۱۲۹) به مطالبی چون آثار صدر ضیا (تذکار اشعار، ضیائیه، تاریخ ناهه و...)، صدر ضیا به عنوان یکی از آغازگران ادبیات فارسی تاجیکی، جایگاه بخارا در تحقیقات ضیا به عنوان یکی از مراکز فرهنگی ایرانی تباران، معرفی نسخه‌های خطی صدر ضیا در گنجینه پژوهشگاه خاورشناسی ابوریحان بیرونی (تاشکند) و... اشاره کرده است.

در فصل پنجم (صدرالدین عینی روشنگر بزرگ تاجیک) نیز که از صفحات ۱۹۹-۱۴۷ را در بر می‌گیرد نویسنده در ۱۱ بخش به مسائل ذیل پرداخته است:

- معرفی شخصیت صدرالدین عینی (۱۹۵۴-۱۸۷۸) و انقلاب فکری او بعد از مطالعه آثار ضیا و احمد دانش
- نقش معارف پروران تاجیک در پایه ریزی بنیاد علمی و نظری
- نقش عینی در ثبوت موجودیت تاجیکستان با نوشتن کتاب نمونه ادبیات تاجیک
- نقش عینی در اصلاحات معارف پرورانه تاجیک و انقلاب و تنویر افکار عمومی
- اطلاق ادبیات فارسی - تاجیکی به ادبیات فارسی تا قرن پانزدهم میلادی و ادبیات تاجیک به ادبیات ماورالنهر
- بررسی پژوهش علمی عینی درباره رودکی، فردوسی، ابن سینا، سعدی و بیدل
- بررسی نمونه‌هایی از نثر استاد عینی به لهجه بخارایی (ایجاز، دقت، تسلط بر زبان و...)
- نقد و بررسی ساختار، تصاویر، روایت، سبک زمان‌های اجتماعی عینی (داخنده)
- اهمیت قصه‌های آدینه، غلامان، داخنده عینی در ادبیات تاجیکی قرن ۲۰
- تأکید عینی بر تاریخ و مبارزه‌های آزادی خواهی مردم تاجیک در سال‌های ۵ - ۱۹۴۱
- صدرالدین عینی و احمد دانش دو مرد بزرگ تاریخ ساز سده ۲۰-۱۹
- توجه به معنویت و ماهیت اجتماعی و معنوی در آخرین اثر عینی (یادداشت‌ها)
- تاریخ حیات عینی

مهم‌ترین ویژگی‌های زبانی، واژگانی و نحوی و خصایص صرفی و ساختاری کتاب به قرار ذیل است:

آقای شکوری به رغم حفظ تسلسل و ارتباط منطقی مطالب و انتخاب روش تحقیق مناسب و هدف مشخص و استدلال‌های منطقی و حل مسئله علمی و پژوهشی (Problem) و ارائه نتایج مبرز، به پاره‌ای از اصول و روش تحقیق و تألیف توجه نکرده که این امر از اعتبار و ارزش



علمی آن کاسته است .

مهم ترین این موارد به قرار ذیل است:

۱ . کتاب فاقد مقدمه مؤلف است .

۲ . فاقد کتابنامه و منابع اطلاعات کتابشناسی پایانی است .

۳ . مرجع مستندات و استشهادات داخل متن در مواردی ذکر نشده است .

۴ . عدم رعایت قواعد نقطه گذاری و آیین نگارش (۲۲) ، اغلاط فراوان تایپی (۹۶-۹۷-۱۰۴-۱۰۶-۱۵۷-۱۶۵-۱۶۷ و ...) و ضبط نادرست واژگان (همیت به جای حمیت - تخمیناً و ... صص ۲۲-۲۳ و ۷۰)

۵ . برخی از ویژگی های دیگر سبکی و نوشتاری کتاب ، واژگان و ترکیبات فعلی خاص است که در زبان فارسی معیار در ایران ، کمیاب و بلکه نایاب است:

نارضایگی (۱۳۸) ، یادرس (۱۳۹) ، ناپره (۱۳۹) ، قلمکش (۱۷۱) به معنی نویسنده ، سرگه (۱۷۹) به سرچشمه ، حویلی (۱۴۸) به معنی رباط ، فوتید (۱۵۹) به معنی فوت کردن ، از بکانیدن (۱۶۹) ، حسابیده (۱۸۶) کوچید (۱۹۸) ، کف کوبی (۵۸) به معنی کف زدن ، می حسابیند (۵۸)

آشکار شدن گرفت (۶۵) ، باید گوشگزار آوریم (۷۱) ، جاری کناند (۷۴) ، شخصان (۱۱۹) ، فطیماً ، آوردن مصادر قبل از افعال (دور شدن گرفت ، پیدا کردن گرفت ، افزودن گرفت ، گذاشتن نمی خواستند و ... ) ، نوغنامندی (۲۳) ، تیار (۲۵) ، کلیب (۲۸) به معنی کج ، کشال (۸۳) و ... کتاب حاضر به رغم ضعف ها و کاستی های یاد شده که درک آن را دیریاب و خواندن آن را دشوار ساخته است ، یکی از آثار برجسته و ارزشمند در حوزه تاجیک شناسی و معرفی مشاهیر ادبی و فرهنگی تاجیکستان محسوب می شود که علاقه مندان به فرهنگ و ادب به ویژه محققان در عرصه ادب معاصر تاجیکستان گریز و گریزی از آن ندارند .

#### پانویست ها:

\* جستارها در باره زبان ، ادب و فرهنگ تاجیکستان ، تألیف: محمدجان شکوری

بخارایی ، به کوشش: دکتر مسعود میرشاهی ، انتشارات اساطیر ، چاپ اول ، ۱۳۸۲ .

\*\* عضو هیات علمی گروه ادبیات ، پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی .